پنج گنج نظامی

روحانی، محمد رضا

مجموعه‏ی اشعار نظامی(خمسه‏ی نظامی)عبارتند از:

1-مخزن الاسرار،2-خسرو و شیرین،3-لیلی و مجنون،4- هفت پیکر(یا بهرام نامه)،5-اسکندر نامه.

هریک از این پنج اثر را نظامی آن شاعر توانای سخن سنج، آن‏چنان با مهارت و چرب دستی سروده است که در نوع خود بی‏نظیر می‏باشد،و خیلی مقلدان او هرگز به گرد او نرسیدند،هرچند هریک‏ برای خود طرفداران و شهرتی دارند.ولی صرف نظر از فضل تقدم او اصولا شعر نظامی حال و هوای دیگری دارد.

پنج گنج نظامی در نهایت زیبایی و مشحون از تعبیرات و هنر شاعری و فن سخن وری‏ست.اینک معرفی آن‏ها به اختصار:

مخزن الاسرار،عرفانی و اسکندر نامه،رزمی و حماسی و هریک از پنج گنج شاهکاری‏ست که خسرو و شیرین شاهکار آن‏ شاهکارهاست:

نخستین بار گفتش از کجایی‏ بگفت از دار ملک آشنایی‏ بگفت آن‏جا به صنعت در چه کوشند بگفت اندوه خرند و جان فروشند

هفت پیکر هفت داستان نمونه‏ی کوتاه فارسی‏ست که با نهایت‏ شیرینی و سلاست و زیبایی سروده شد و بعضی‏ها هفت پیکر را بهترین‏ داستان نظامی می‏دانند و بعضی‏ها این وصف را درباره‏ی خسرو و شیرین‏ به کار می‏برند.

نیمی از کتاب هفت پیکر داستان بهرام گور می‏باشد که بسیار زیبا و خواندنی‏ست:

چون‏که بر گنج بوسه بارم داد من یکی خواسته هزارم داد گرم گشتم چنان‏که گردد مست‏ یار در دست و رفت کار از دست

عشق‏هایی نظیر خسرو و شیرین،فراوان است و این‏گونه داستان‏ها بسیار وجود دارد.نه خسرو ممتازترین شخصیت تاریخ بوده است و نه‏ شیرین برجسته‏ترین معشوقه‏ی تاریخ.آن‏چه در این میان عالی‏ست، نظم زیبای نظامی در خسرو و شیرین است!داستان پردازی و عشق آفرینی و صحنه سازی اوست که در ادبیات فارسی و جهان به‏ نقطه‏ی اوج خود رسیده است!آن‏چنان بزم آفرینی نظامی دل‏پذیر است‏ که اهل دل و سخن لحظاتی را که به خواندن آن می‏گذرانند به دنیای از بهت و حیرت و لذت غوطه‏ور می‏شوند.

وصفی که نظامی از شیرین می‏کند و صحبتی که از دل‏دادگی‏ فرهاد می‏نماید و معانی و تعابیری که به عشق بازی می‏دهد،در شیرینی و جذابیت وصف‏ناپذیر است.

چو قصه چشم کرد آن چشمه‏ی نور ملک را آب در چشم آمد از دور

لیلی و مجنون دو عاشق صحاری عربستان بودند و داستان آن‏ها نیز در افواه بسیار کسان بوده است.ولی نظم نظامی آن‏چنان این دو دلداده را مشهور و معروف کرده است که حق آن‏ها بود.و او بود که‏ زمینه‏ی این امر را فراهم کرد،شعرایی چون مولوی و عطار و دیگران‏ به عنوان تعریض و تمثیل قطعاتی در این مورد سرودند و در زبان‏ها افتاد و جاودانه شد.

در داستان‏های هفت پیکر و مخزن الاسرار و اسکندر نامه نیز نظامی همین اعجاز را به کار برده و شهره‏ی آفاق گردید.از نظامی‏ چیزی نمی‏توان گفت الا این‏که از خود او نمونه‏هایی ذکر کرد و لذت‏ برد.

مجنون رمیده دل چو سیماب‏ با آن دو سه یار ناز برتاب

نظامی آن‏چنان شاعری بوده است که خود وابسته دار الحکومه و یا دربار شاهان نشده است،بلکه بعد از شهرت و مقبولیت همه‏گیر حکام‏ و ملوک به ملازمت و هم‏نشینی او مفتخر شدند!و ااو آثار خود را به نام‏ آنان کرده.گرچه داستان سرایی بزمی و عشقی پیش از نظامی در ادب‏ فارسی وجود داشت ولی نظامی آن‏چنان این مقوله را به اوج می‏رساند که تاکنون شاعری بهتر از آن نتوانست به وجود بیاید.

فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی‏خاک عشق آبی ندارد

تمام وقایع و تمام کلمات را با کنایه و بیان طرفه‏ای اظهار می‏کند که بر لطف و سکر واقعه هزاران مرتبه می‏افزاید و در این نوشته هرچه‏ سعی کردم از غزل نظامی چیزی بیاورم این عشوه‏ها و این‏ شورانگیزی‏های داستان که رهایم نمی‏کند.چون نظامی را این اشعار نظامی کرده و حافظ را آن غزل‏های حافظ.

نظامی نه تنها در شعر عشقی و بزمی بی‏نظیر است بلکه در بیان‏ صحنه‏های تراژدی و رزمی نیز چیره دست و دلیر می‏باشد،مثل‏ صحنه‏ی اسکندر بر بالین دارا:

سکندر فرود آمد از پشت بور درآمد به بالین آن پیل زور

من که دلم نمی‏خواهد از بزم دل‏انگیز نظامی خارج شوم و پشت سر هم اشعار ناب او جلوه‏گری می‏کند.ولی چه کنم که هر شروعی پایانی دارد.

لبش بوسید و گفت این انگبین است‏ نشان دادش که جای بوسه این است‏ نخستین پیک بود آن شکرین جام‏ که از خسرو به شیرین بود پیغام‏ اگرچه کرد صد جام دگر نوش‏ نشد جام نخستینش فراموش‏ میی کاول قدم جام آورد پیش‏ ز صد جام دگر دارد بها بیش‏ نهاده بر دهانش ساغر من‏ شکفته در کنارش خرمن گل